



ضرورت ها و ظرافت های وبلاگ برای دین ورزان

پدیدآورده (ها) : بابایی، رضا

میان رشته ای :: پیام :: بهار 1385 - شماره 76

از 70 تا 94

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/341695>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

قال: رسول الله(ص): قِيلَ أَيُّ النَّاسِ شَرٌّ، قَالَ: الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا.
از -حضرت پرسیدند بدترین مردم چه کسانی‌اند؟ فرمود: علمای فاسد.

ضرورتها و ظرافتهای وبلاگ برای دین‌ورزان

رضا بابایی

چکیده

آنچه در پی می‌آید اشاراتی است مجمل، به چند و چون رسانه‌ای مدرن و کارآمد که در روزگار ما بیشترین سهم را در تبادل فرهنگی و توسعه جهان‌خبری و اطلاعاتی کاربران دارد؛ یعنی وبلاگ. امکانات بی‌حد و اندازه این پدیده پرتوان و جذاب، همگان را وامی‌دارد که برای ابلاغ مرام یا اظهار آرمان‌های شخصی یا ملی یا الهی خود، بدان روی کنند، و از قابلیت‌ها و خدمات رایگان آن سود برند. وبلاگستار، فارسی، اکنون یکی از فعال‌ترین و پر جنب و جوش‌ترین مناطق فکری و قلمی است که اندک اندک، جای خود را در میان همه طبقات اجتماعی و صنفی باز می‌کند.

برتری‌ها و امکانات بی‌مانند وبلاگ، همه صاحبان اندیشه و قلم را وسوسه می‌کند که در این محیط نیز حضور رسانند و سخن و مرام خویش را بیازمایند. بدین رو است که می‌توان پرسید: آیا توجیهی برای غفلت نویسندگان دین‌گرا، از این محیط پر جنب و جوش و فعال، و بی‌مهری بدان وجود دارد؟ بلاگ‌نویسی، این توانایی را دارد که نوع جدید و مدرن‌تری از تبلیغ دینی را پذیرایی کند: تبلیغ دیجیتال.

مقدمه

انسان را بر دیگر جانداران، امتیازهای بسیاری است که شاید یکی از عینی‌ترین آنها قدرت و امکان ثبت دریافت‌های درونی و پیرامونی خویش است. او می‌تواند دانسته‌ها، شنیده‌ها،

دریافت‌ها، تأثرات، عواطف، هیجان‌ها و حتی واگویه‌های درون بی‌تاب خود را ثبت و یا اظهار کند. انسان مدرن که بیش از اسلاف و نیاکانش به فردیت خود می‌اندیشد و برای خود وجودی مستقل از اجتماع می‌بیند و ذوب شدن در گرایش‌های فراگیر جامعه را تاب نمی‌آورد، تعریف دیگری را نیز برای خود می‌جوید. در این تعریف جدید، او موجودی است فرهنگ‌نگار و اندیشه‌گزار که بی‌وقفه در کار تمدن‌سازی و بیرون‌کاوی است و هرگز سهم خود را در چرخه بی‌مدارای زندگی از یاد نمی‌برد. مدنیت مدرن و حتی سنتی او از همین جا آغاز می‌شود و شاید روزی - روزگاری در همین جا نیز آرام گیرد و پایان پذیرد.

او، نگارش و گزارش خود را از آنچه دیده، شنیده، فهمیده و یا به دیگر حواس خود دریافته، از تبدیل دیواره‌های غار زندگی به تابلوهای نقاشی آغاز کرد و سپس خط را آفرید و پاپیروس را به کار گرفت و تا کاغذ و چاپ و نهضت گوتنبرگی و روزنامه‌نگاری و مقاله‌نویسی و... از پای ننشست. بر این همه آن تجربه‌های ساده و پیشرفت‌های لاک‌پستی، اکنون در صفحه‌هایی از جنس نور و موج و شیشه نمودارند: وب.

این صفحه‌هایی دیجیتالی که نَسَب به دیواره‌های غار می‌رسانند، میزبانی به دست و دل‌بازی شبکه جهانی اینترنت دارند که در هر خانه‌ای، گوشه‌ای و حتی گاه اتاقی را در اختیار خود گرفته است. چنین است که می‌توان گفت مسیر اطلاع‌رسانی و تاریخ فرهنگ‌نگاری و اندیشه‌گزاری انسان که با غارنوشته آغاز شده بود، اکنون به تارنوشته^۱ بار انداخته است. بی‌هیچ شک و گمانی پدیده بزرگ قرن حاضر را، باید همین معجزه انسان معاصر در پهنه اطلاع‌رسانی و پردازش‌گری WWW ها دانست. شهروندان جهان، به اختیار توأم با ناگزیری، ذهن و روح خود را چنان تسلیم این فضاها و مجازین و کاوش‌گری‌های آن کرده‌اند که گویی باغچه‌ای کوچک در حیاط خلوت و سنتی، زیر پای مرغان گرسنه خانگی قرار گرفته است.

حجم عظیمی از این سرزمین عجایب را وبلاگ‌ها یا وبلاگ‌شهر تشکیل می‌دهد. حضور شتابان و بی‌امان این نشریه‌های شیشه‌ای، چنان است که «وبلاگ» کلمه قرن نام گرفت. به گفته آمارها، بسامد هیچ کلمه‌ای در سده حاضر، به پایه و شمار «وبلاگ» نمی‌رسد.^۲ اگر کسی در اول آوریل سال ۲۰۰۴ کلمه «وبلاگ» را در گوگل جستجو می‌کرد، عدد ۲۴ میلیون را می‌دید؛ اما یک هفته پس از آن، نتیجه همین جستجو سه میلیون فرجه‌تر شد و در سوم ژانویه ۲۰۰۵، خود را به رقم ۳۵ میلیون نیز رساند.^۳ نیز بر اساس آخرین آمارها چهل میلیون و پانصد هزار وبلاگ به زبان‌های مختلف در جهان وجود دارد که پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۰۶ از مرز ۶۰ میلیون نیز بگذرد.^۴ اگر

همین تعداد را در شمار فراوان خوانندگان و وبگردان ضرب کنیم، عدد شگفتی سر برمی آورد که همواره آرزوی همه نویسندگان و صاحبان هرگونه رسانه‌ای بوده است.

اینترنت در ایران

از ورود اینترنت به ایران، بیش از یک دهه می‌گذرد. در این مدت نه چندان طولانی، ایرانیان نیز هم‌داستان با همه مردم جهان این معجزه بشری را، کمابیش آغوش استقبال گشوده‌اند و آن را توانمندترین فناوری، انسان معاصر در عرصه‌های اطلاع‌رسانی، آموزش، تحقیق، تبلیغ اندیشه، تبلیغات تجاری، اخبار، سیاست، اعتراض، تجارت، جشن، همایش، آمار، جنگ روانی، رایزنی، طنز، بازی و تفریح، مکاتبات، مخابرات، ارتباطات شخصی، دوست‌یابی، ازدواج، گفتگو، تخلیه‌های روانی، دانلود نرم‌افزار، اینترنت، وبلاگ، کامپیوتر (بله، خود اینترنت و وبلاگ و کامپیوتر از اصلی‌ترین موضوعات نشریات اینترنتی است) و... یافته‌اند. قابلیت‌های بی‌شمار، دسترسی آسان، تنوع، جذابیت‌های سمعی - بصری، مخاطب‌یابی آسان و هزاران دلیل دیگر، اینترنت را تابوی تمدن مدرن کرده است؛ تابویی که شکستن آن نه ممکن است و نه لازم. می‌توان گفت و از عهده نیز برآمد که اگر کسی سرگذشت مدنی انسان را به دو دوره قبل و بعد از اختراع اینترنت تقسیم کند، چندان بی‌زاه نرفته است.

این توسن تیز پای، استعداد شگفتی در کوتاه کردن راه‌ها دارد؛ چنان که فاصله انسان‌ها را تا فاسدترین محیط‌های اخلاقی، به اندازه کوبیدن ضربه‌ای بر سر دگمه‌ای کوچک و رام، کوتاه می‌کند. کجا است خوجّه شیراز که اکنون - نه شش صد سال پیش - بگوید:

زاهد ایمن مشو از بازی غیرت، زنهار

که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست

اما همو نیز می‌تواند سالک دل سوخته‌ای را با یک کلیک، از منزلی به منزلی دیگر برد، و سلوک او را سیری تازه تر بختند. آری؛ این دست ساخت لجام گسیخته بشر، گویی به مسند مرشدان و خرقة پیران طریقت نیز طمع بسته است.

مقابله و مواجهه قهرآمیز با این پدیده قهار، به هر دلیلی که باشد، تجربه‌های خوشایندی را نصیب مخالفانش نکرده است. چینی‌ها، بیشترین و طولانی‌ترین مقاومت را در برابر لشکر سایت‌ها و WWW ها نبردند. نتیجه این نزاع توان فرسا، آن شده است که اکنون این کشور پهناور و پرجمعیت، بیشترین کاربران اینترنتی را در جهان، پس از آمریکا دارد!

بر اساس مطالعات «گروه پژوهشی مدار» تا پایان سومین فصل سال ۲۰۰۲، بیش از دو میلیون نفر در ایران به اینترنت دسترسی داشته‌اند. این رقم نسبت به سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش صد در صدی از خود نشان می‌دهد و به حتم همین سیر را در سال‌های پسین، ادامه خواهد داد. آماري که از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اعلام شده است، ارقام شگفت‌تری را نیز نشان می‌دهد. بر اساس این آمار، در پایان سال ۱۳۸۱، نزدیک به ۳,۲۰۰,۰۰۰ نفر به‌طور فعال با اینترنت سروکار داشته‌اند، و هفت میلیون نفر نیز کارت اینترنت خریده‌اند. این آمار و ارقام نسبت به سال ۸۰، از حدود ۹۰٪ افزایش خبر می‌دهد. این همه در حالی است که هزینه اتصال به این شبکه جهانی اینترنت در ایران، بسیار بیش از برخی کشورهای دیگر است. اینترنت در ایران مانند بسیاری دیگر از رسانه‌ها چندان جایگاه و مرتبه واقعی خود را نیافته است. به دلیل حساسیت‌های اخلاقی و سیاسی، بسیاری از سرزمین‌های آن ممنوع‌الورودند و برای شمار فراوانی از کاربران، هنوز بیش از وسیله‌ای برای سرگرمی و گذران وقت نیست. در ایران، رسانه‌ها و مراکز سنتی، به سختی جای خود را به این رقیب جوان و تازه‌نفس می‌دهند؛ اما این سیل را بیش از این سد نمی‌توان کرد و گویا این‌جا نیز غیر تسلیم و رضا نیست چاره‌ای.

بیش از این نیازی به گفتن درباره اهمیت و گسترده و کارایی اینترنت در جهان و ایران نیست. آنچه اکنون در کانون توجهات ملی قرار گرفته است، بهینه‌سازی روش‌های اینترنت‌پردازی و چگونگی استفاده از این گنجینه دیجیتالی است.

وبلاگستان فارسی

اینترنت، خود پدیده‌ای شگرف است و تاکنون نیز شگفتی‌های بسیاری آفریده است؛ اما در میان همه امکانات و شعبده‌بازی‌های او، وبلاگ حکایتی دیگر دارد که بس شنیدنی و بسیار یادکردنی است. وبلاگ‌ها، فضاهای رایگان یا ارزان اینترنتی هستند که یادداشت‌های شخصی یا پاره‌نوشته‌های ناویراسته نویسندگان حرفه‌ای و بیشتر غیرحرفه‌ای، و نیز آخرین رهیافت‌های علمی یا عاطفی آنان را در خود جای می‌دهند و در دیدرس میلیون‌ها رهگذر آشنا و ناآشنا می‌گذارند. به عبارت دیگر Weblog مکان و فضایی در شبکه جهانی اینترنت است که معمولاً مبدنی شخصی و غیرتجاری دارد. تفاوت عمده آن با سایت یا وب‌سایت، در رایگان بودن آن و بهره‌گیری بی‌مزد و منت از سرورهای عمومی است. نیز وبلاگ‌ها برخلاف اکثر سایت‌ها در فاصله‌های زمانی کوتاه (گاه هر یک ساعت و حتی کمتر از آن) به روز می‌شوند و گستره عظیمی را از موضوعات را پوشش

می دهند. تفاوت ظریف دیگری که می توان میان وبسایت با وبلاگ شمرد، وسیله بودن اولی، و موضوعیت داشتن دومی است؛ یعنی سایتها معمولاً برنامه‌ها و وظیفه‌ای جز گزارش و نمایاندن چهره سازمان یا مرکز یا حزب یا گروهی را ندارند. بدین رو بیشتر به مثابه کاتالوگ یا دفترچه راهنما عمل می کنند. اما نوشتن و بودن در وبلاگ، خود موضوعیت دارد و بخش فعالی از زندگی وبلاگ نویس است. شاید بتوان تفاوتی را که میان دفترچه یادداشت‌های شخصی با سررسید کارپرداز آن می بینیم، میان وبلاگ و وبسایت هم دید. اطلاعاتی که در چنین مکان‌هایی درج و ثبت می شود، مجموعه‌ای از روزنوشت‌های صاحب صفحه، همراه پیوندها و لینک‌های برگزیده او است که از این رهگذر خواننده خود را علاوه بر نشانیدن بر سر سفره دل، به شبکه هزار توی سایت‌ها و وبلاگ‌های دیگر نیز می برد.

وبلاگ (Weblog) یا بلاگ (Blog) که ترکیبی است از دو کلمه Web به معنای شبکه جهانی و log به معنای گزارش روزانه یا روزنوشت، به یادداشت‌هایی گفته می شود که یک یا چند نفر به صورت روزانه با هفتگی یا گاه‌به‌گاه می نویسند و به اینترنت می سپارند... لاگ (log)، چندین معنای دیگر نیز دارد که از آن میان، برابری‌های فارسی زیر با وبلاگ، تناسب بیشتری می یابد: قطعه، دفتر روزنامه، ثبت رخدادها، سررسید.

بدین رو، هم وجه نام‌گذاری وبلاگ آشکار می شود و هم می توان معادل‌های فارسی «روزنوشت»، «روزنگار» و یا «تارنوشت» را برای آن برگزید.

برشین بلاگ (Persian Blog) که خود را اولین سرویس وبلاگ و ویژه فارسی‌زبانان و بزرگ‌ترین جامعه اینترنتی فارسی‌نویسان می داند، تعریفی گویا از وبلاگ را در صفحه نخست خود نشانده است: وبلاگ، محیطی است که به شما امکان انتشار ایده‌ها، افکار و دیدگاه‌های خود، همانند یک روزنامه‌نگار را می دهد. احتیاجی نیست که یک مقاله و یا داستان طولانی بنویسید، بلکه یک وبلاگ نویس ذهنیات خود را پیرامون مسایل مورد علاقه‌اش ارائه می کند؛ بدون این که این ایده‌ها به طور کامل بررسی شده باشند یا مثلاً از لحاظ دستوری یا زیبایی جمله در حد عالی باشند. عاملی که باعث محبوبیت و رشد سریع پدیده وبلاگ در میان کاربران اینترنت شده است، راحتی استفاده از این ابزار می باشد. با استفاده از سیستم‌های موجود وبلاگ، بدون نیاز به صرف وقت و هزینه برای طراحی کامل یک سایت اختصاصی، تنها با پر کردن چند فرم تحت وب می توانید شروع به نوشتن مطلب در قالب یک سایت اختصاصی کنید.

وبلاگ‌ها غیر رسمی ترین رسانه‌های مردمی اند؛ به همین دلیل، هیچ‌گونه تعریف رسمی و ضابطه دست‌وپاگیری را بر نمی تابند. گذری کوتاه در نوشته‌ها و اشارات وبلاگ‌نویسان، نشان می دهد که

آنان خود ترجیح می‌دهند وبلاگ را با یک کلمه یا یک ترکیب ساده تعریف کنند؛ کلماتی مانند مجله شخصی، کافه اینترنتی، پاتوق، دفترچه باز، دلنوشته، پنجره‌ای به جهان بیرون، روزنوشت، روزنگار، یادداشت‌های خصوصی. به گمان نگارنده نیز، همین کلمات ساده و رایج، شناخت درست‌تر و گویاتری از وبلاگ‌ها به ما می‌دهد؛ اما نگاه علمی‌تری نیز می‌توان به آنها انداخت:

بشر در طی چند سال گذشته، قدم در دنیای جدیدی گذاشته که بدون شک یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن تحول و دگرگونی اساسی در ارتباط با نحوه نشر اطلاعات است. به کارگیری پتانسیل‌های وب در نشر دانش و اطلاعات، ضمن غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی، حق انتخاب مخاطب را ارج نهاده و بستری مناسب برای تعاملات اطلاعاتی دو سویه فراهم نموده است. در این میان وبلاگ (Weblog) یا بلاگ (blog) یکی از جذاب‌ترین ابزارهایی است که به افراد امکان می‌دهد تا نظرات، افکار و اندیشه‌هایشان و هر آنچه را که در دل دارند، به جهانیان بازگویند. امکان انتشار اندیشه‌ها و عقاید تا به امروز تنها برای پخش خاصی از جامعه، همچون نویسندگان، اندیشه‌مندان، دولت‌مردان و ادیبان فراهم بوده است؛ اما وبلاگ این امکان را برای افشار مختلف، اعم از زن و مرد، و پیر و جوان ایجاد کرده است. فرض کنید ابزاری ارزان‌قیمت برای انتشار مطالب در اختیار هر صاحب‌قلمی باشد که بتواند با استفاده از آن، اخبار، گزارش‌ها، عقاید، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را در رابطه با موضوعات مورد علاقه خود، بدون محدودیت‌های مرسوم بیان کند. و مهم‌تر از آن، از نظرات مخاطبان نسبت به مطالب منتشر شده نیز آگاهی یابد. آیا شما علاقه‌مند به استفاده از چنین ابزاری نخواهید بود؟ آیا تمایل به داشتن یک رسانه شخصی ندارید که در آن بتوانید موضوعات مورد علاقه خود را بیان کنید؟^۵

نیز می‌توان افزود که وبلاگ و بلاگ‌نویسی، بخشی از توانایی و فضایی است که اینترنت به رایگان در اختیار میلیون‌ها مهمان خواننده و ناخواننده خود گذاشته است تا در آنجا اندیشه‌ها و آرزوهایشان را به قلم آورند، و با همدلان ناآشنا و گاه آشنا درد دل گویند و تلخی‌های زندگی فرو شویند و یا دیگران را از شیرینی‌های درون خویش کام بخشند. این صفحه‌های شیشه‌ای که همه‌گونه فاصله‌های زمانی و مکانی را میان نویسنده و خواننده برداشته است و نوشتن در آنها همزمان است با خواندن آن برای هرکس که در هر جای دنیا آن لاین باشد، روزنامه‌ها یا مجلات شخصی انسان‌های بی‌شماری است که نویسنده، سردبیر، ویراستار، ناشر، موزع، حروف‌چین، صفحه‌آرا و طراح آنها یک نفر است؛ یعنی نویسنده، سردبیر مجله خویش است و نیز ناشر و ویراستار آن و... هر که را که در سر اندیشه‌ای است یا در دل سودایی، با هر انگیزه‌ای، می‌تواند مجله‌ای در این بیکرانه هزار تو

راه اندازد و در هر فرصت که خود خواست یا توانست، صفحه‌های و حتی جمله یا کلمه‌ای بر آن بیفزاید یا از نوشته‌های پیشین بکاهد. همه آنان که خواهان گفتن و نوشتن و اظهار وجودند، می‌توانند با کمترین هزینه، تالو و پرده آشکاری از احساسات و اندیشه‌های خود را پیش چشم هزاران رهگذر (وبگرد) نصب کنند و خود بایستند و تأثیر سخن خویش را به چشم ببینند. بدین ترتیب وبلاگ، یعنی ارتباط آسان، رایگان، دوسویه، دل‌خواه و همگانی با هر چشم و دلی که گزارش به خانه نوری ما می‌افتد، یا به دعوت ما می‌آید.

نخستین وبلاگ ایرانی در شهریور سال ۱۳۸۰ روی شبکه اینترنت ظاهر شد. یک ماه طول کشید تا وبلاگ دوم نیز از راه برسد؛ اما دو ماه پس از تولد دومین وبلاگ، شمار وبلاگ‌های ایرانی به ۱۲۰ عنوان رسید. هم‌اکنون علی‌رغم اینکه بیش از سه سال از عمر این نشریه‌های الکترونیکی در ایران نگذشته است، موج‌های بسیاری از هر سوی این دریای متلاطم گردن افراشته و طبقات مختلفی از جامعه را به خود مشغول کرده است. نویسندگان وبلاگ، از میان همه اصناف و سطوح اجتماعی، و از دل جامعه سر برآورده‌اند؛ از نام‌آشناترین اندیشه‌وران تا گمنام‌ترین جوانان کشور. هرچند آمار دقیقی از شمار وبلاگ‌های ایرانی در دست نیست، اما از سوی منابع معتبر جهانی، زبان فارسی، زبان چهارم وبلاگ‌نویسی در جهان اعلام شده است. اما همان‌طور که از شابک کتاب‌های فارسی نیز پیدا است، این زبان رتبه خوشایندی در تألیف و روزنامه‌نگاری ندارد.

در خرداد ماه سال جاری (۱۳۸۳) اولین جشنواره وبلاگ‌نویسان ایرانی، در تهران برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این همایش بدیع، جوانان فرهیخته و ذوق‌مندی بودند که هریک، روزانه بخشی از وقت خود را به وب‌نویسی یا وبگردی اختصاص داده بودند. آنان وبلاگ‌نویسی را بخشی از هویت جدید خود در جهان امروزین می‌دانستند و همگی مصمم به گسترش کمی و کیفی وبلاگ‌های خود بودند. نخستین جشنواره دانشجویان وبلاگ‌نویس ایران نیز در نخستین فصل سال آینده (۱۳۸۵) برگزار خواهد شد. به گفته دبیر جشنواره: «این همایش، شامل رقابت در چهار حوزه موضوعی و فنی است، و همچنین نخستین نمایشگاه وبلاگ را که گردهمایی برترین وبلاگ‌نویسان دانشجویی ایران است، در خود جای داده است. بدین ترتیب ایجاد ارتباط و رقابت دانشجویان وبلاگ‌نویس، از اهداف این جشنواره است، که تشویق‌کننده استفاده هرچه بیشتر از وبلاگ، و زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه‌های دانشجویی وبلاگ‌نویس در همه دانشگاه‌های کشور خواهد بود.» این خبر زیر نیز خالی از عبرت و تأمل نیست:

به گزارش بخش خبر «سایت اخبار فناوری اطلاعات ایران» از «خبرگزاری سینا» بر اساس گزارش روابط عمومی سازمان ملی جوانان ایران، تنها با گذشت ۱۲ روز از برگزاری مسابقه

«وبلاگ‌نویسی جوانان و امام خمینی(ره)» بیش از ۲۰۰۰ وبلاگ‌نویس تاکنون در این مسابقه شرکت کرده‌اند.

اکنون هزاران وبلاگ فارسی در اینترنت هر روز، به روز می‌شوند و هریک خوانندنی‌ترین مطالب همسو با موضوع انتخابی خود را روی صفحه وب می‌گذارند. برخورداری از چنین فضاها کاملاً منعطف و آماده هرگونه قابلیت‌گذاری، که مصون از محدودیت‌های مرسوم است، نویسندگان ایرانی را بر آن داشته است که تفکرات و آرمان‌های خود را در این دریای بی‌ساحل، شناور کنند و همچون نامه‌ای در بطری، به هر سو بفرستند. این رسانه بدیع و مدرن، به نویسندگان و دارندگان خود اجازه می‌دهد که به دور از قید و بندهای معمول و قالب‌های تکراری، از رنج‌ها و دریافت‌ها و امیدهای زنده خود بگویند و بخوانند و یا درباره نوشته‌های دیگران نظر دهند. «وبلاگستان، شهری است که در آن هرکس در خانه خود نشسته است و به اختیار خود پنجره‌ای از دنیای درون خود به بیرون گشوده است.»^۷

این نیز گفتنی است که نباید نقش این ابر رسانه‌های مدرن را در همه کشورها یکسان دانست. در مناطقی از جهان که روزنامه‌ها و رسانه‌های مشابه آن، بار و کارکرد احزاب را نیز به دوش می‌کشند، و گاه به آموزشکده‌های سیار نیز تبدیل ماهیت و تغییر شغل می‌دهند، وبلاگ‌ها حضور و ظهوری قوی‌تر دارند و نقش آفرینی آنها را به عیان می‌توان دید.^۸ کارکرد آموزشی وبلاگ‌ها نیز، موازی با دیگر کارایی‌های آن شگفت‌آور است؛ تا آن‌جا که گفته‌اند: «وبلاگ‌ها بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محتوای آموزشی در اینترنت‌اند.»^۹

امتیاز دیگر وبلاگ، استقلال آن است. از آن‌جا که وبلاگ‌ها هزینه‌ای جز تلفن و اینترنت، بر نویسندگان خود تحمیل نمی‌کنند، قادر به حفظ استقلال مالی و فکری خود هستند. نیک می‌دانیم که استقلال و خودمختاری، آرزوی همه صاحبان قلم و اندیشه است. آنچه بیش از همه این آرزو را برای جمع کثیری از اهالی قلم دور از دسترس کرده است، وابستگی‌های مالی آنان و یا اکثر رسانه‌ها به مراکز قدرت و سرمایه است. ایستادن بر روی پاهای خود، وبلاگ‌نویسان را امکان داده است که بتوانند درباره آنچه می‌خواهند و می‌پسندند، قلم زنند. آیا هیچ نویسنده‌ای را می‌توان یافت که بتواند درباره شخصی‌ترین عواطف و گرایش‌های خود، در جایی غیر از وبلاگش بنویسد؟ استقلال و ناوابستگی، امتیاز ویژه وبلاگ‌ها است و همین برتری، موجب شده است که وبلاگ‌نویسان بتوانند شانه خود را از زیر بار هر نوع مسئولیتی خالی کنند و همان را بنویسند که در اندیشه و قلبشان می‌گذرد. بله؛ باید پذیرفت که این سکه روی دیگری نیز دارد؛ زیرا پاسخگو نبودن به هیچ مرجع رسمی و غیر رسمی، بسیاری از وبلاگ‌ها را به خانه‌های فساد و دریدگی‌های چندش‌آور

بدل کرده است. نویسندگانی که خود را متعهد به هیچ مقام و مرامی ندانند و دادگاه وجدان اخلاقی خود را نیز مُهر و موم کرده باشد، چگونه خواهد نوشت، و چه زهر جان‌گذازی در روح خوانندگان خود خواهد ریخت؟ به یاد آوریم که هر مقاله‌ای در هر روزنامه یا مجله‌ای، مسئولیت‌های فراوانی را بر دوش نویسنده، ویراستار، سردبیر و مدیر مسئول مربوط می‌گذارد. اما وبلاگ‌ها فارغ از همه این‌گونه مسئولیت‌ها و محدودیت‌های صواب و یا خطا، بازتابش خیره‌کننده‌ای از درون نویسندگان خود هستند. این تفاوت عمده که حساب و بلاگ را از همه رسانه‌های سنتی جدا می‌کند، منشأ کارکردی دیگر نیز برای آن می‌شود. وقتی نویسندگان چنین محیط‌هایی، خود را رها و آزاد از هرگونه قید و بندی می‌بینند، هر آنچه را که در دل و اندیشه دارند، بی‌هیچ‌گونه ملاحظه‌ای می‌نویسند و همین بی‌ملاحظگی را بی‌پروایی و رهاشدگی مطلق، وبلاگ‌ها را به محلی برای دیدار با پنهانی‌ترین لایه‌های اجتماع تبدیل می‌کند. بدین رو است که برخی هوشمندانه وبلاگ‌ها را «دماسنج اجتماع» نامیده‌اند^۱؛ یعنی جنایی که می‌توان دریافت که جوانان و طبقه متوسط شهری جامعه چگونه می‌اندیشند، خواست‌های آنان چیست و چه آمل و آرزوهایی را در سر می‌پروراندند. بدین رو بر همه صاحبان اندیشه و مرام و مقام است که برای آگاهی از موقعیت مرام و اندیشه خود نزد مردمی که خویشان را مجبور به هیچ‌گونه سانسور و ریاکاری نمی‌بینند، ساعاتی از اوقات روز و شب خود را به وبگردی اختصاص دهند تا مخاطبان ساکت و آرام خود را در مدارس، مساجد، بازار، دانشگاه و یا هر جای دیگر جامعه بهتر بشناسند؛ زیرا وب‌نویسان اینترنت، در میان همه مخاطبان و شنوندگان رام و مطیع نشسته‌اند و چشم در چشم گویندگان دوخته‌اند. محتوای وبلاگ‌ها را گاه باید واکنش شبانه و سخفیانه جوانان هوشمند کشور، به شنیده‌ها و دیده‌های روزانه آنان دانست. آری؛ این آینه به شدت غماز است؛ زیرا زنگار ریا و همه انواع ملاحظات، از رخسار ممتاز است. به نوشته یکی از همین هم‌زاران نویسنده وبلاگی:

وبلاگ‌ها، آرزوی دیرینه‌ای را اجابت کردند که در سر و سودای هر انسان برون‌گرا و حتی درون‌گرای آشناجویی بود: جریده‌ای شخصی که در آن، خودگویی و خود خندی! عجب مرد هنرمندی! اما انصافاً نمی‌توان هنرهای عجیب و غریب این رسانه‌ی کراواتی را که از دیگر تحفه‌های رنگی‌ها است، انکار کرد....

... بالاخره باید جایی یا چاهی باشد که دلوژه‌های آتشین خود را آن‌جا فریاد کنیم، تا دست‌کم در این مجازی‌ترین دنیای تارآلود، بهر یک جرعه سخن، آزار دانا و نادان نکشیم؛

بهر یک جرعه که آزار کش در پی نیست

زحمتی می‌کشم از مردم ناسدان که می‌پرس

پیامبر، حرا را داشت؛ علی، چاه‌های مدینه را و همسرش بیت‌الاحزان را. در دنیایی که آدم‌ها را فقط با کدهای الکترونیکی‌شان به‌جا می‌آورند، حرا و بیت‌الاحزان هم از جنس نقطه‌های نوری بر روی صفحه‌های شیشه‌ای است. وبلاگ، می‌تواند تو را چیزی شبیه کافه نادری باشد، من را چاهی که در آن سر فرو کنم و بگریم و دیگری را غاری برای سجده بردن (حرا) یا پناه جستن (ثور). عصری که نوبت را به معراج پولاد داده است، سنگ صبورش هم باید از جنس شیشه و تراشه باشد!

من این حروف نوشتم چنان‌که غیر ندانست

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

فعلا همین؛ تا بعد.

(سوم بهمن ۸۳، وبلاگ سفینه)

موضوعاتی که بلاگرها (BLOGGER) یا همان نویسندگان وبلاگ، برای مجله‌های شخصی خود برمی‌گزینند، تنوع و گستره کم‌مانندی دارد. گاه موضوعی عام را از نگاهی خاص می‌نگرند، و گاه موضوع خاصی را محک اجتماع می‌زنند. شاید بتوان گفت برای هریک از علایق و سلیق فردی و اجتماعی، ده‌ها وبلاگ را در اینترنت نام زد که هر روز بر کم و کیف خود می‌افزایند. پاره‌ای از این مجلات خودآیین و خودمختار، روزانه هزاران خواننده دارند و برخی نیز برای یافتن خوانندگان بیشتر، در تلاش و تکاپوی لذت‌بخشی به سر می‌برند. خاطره‌نویسی، طنز اجتماعی، یادداشت‌های روزانه، سیاست، ورزش، متن‌های ادبی، مذهب، فرهنگ، هنر، ادبیات داستانی و کلاسیک، آموزش‌های فنی، حوادث و نقد و بررسی مسائل جهانی، پاره‌ای از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های بلاگرها است.

هریک از این موضوعات، وقتی به وبلاگ پا می‌گذارند، لباس رسمی و مهمانی خود را از تن بیرون می‌آورند و زبانی صمیمی، دوستانه و گاه طنزآلود را تجربه می‌کنند. اکثر وب‌نویسان ایرانی، گرایش آشکاری به ساده‌نویسی و پرهیز از ساختن جملات سنگین دارند. آنان می‌کوشند فضای وبلاگ خود را چنان صمیمی و مهربان کنند که پای هر رهگذری را برای ماندن و خواندن سست کند. رسمی‌ترین موضوعات و جدی‌ترین مقولات علمی یا اجتماعی، در وبلاگ به روان‌ترین زبان‌ها و صمیمانه‌ترین قلم‌ها بیان می‌شود. ساختار شکنی وبلاگ‌ها، به همین مقدار ختم نمی‌شود. در وبلاگستان فارسی درباره هر موضوعی سخن می‌رود و امکانات بسیار جذاب و فراوان اینترنت، به نویسندگان کمک می‌کند که با کمترین هزینه و صرف وقت، بیشترین بهره را از فعالیت خود ببرند.

وبلاگ‌ها برای برخی بیش از یک دفترچه خاطرات معمولی که گنجایش بسیار، و شکل و شمایل زیبایی دارد، نیست، و برای گروهی نیز فرصتی است برای عرضه و اعلان آخرین رهیافت‌های علمی خود. البته هرزه‌نویسی‌های آن هم کم نیست؛ مانند همه محیط‌های اجتماعی و عمومی دیگر که هرزگی عده‌ای، بخشی از هویت ناگزیرشان شده است. بدین رو این رسانه نیز مانند همه ابزارهای بشرساخت، هیچ‌گونه گرایش و جهتی را کانونی خود نکرده است؛ بلکه فقط فرصتی است و مجالی و ابزاری و شگرد کارآمدی برای گستراندن هرگونه فعالیت علمی و غیر آن. گمان نگارنده آن است که آینده این پدیده شگفت‌افزارسانی بسی درخشان‌تر از این است و در روزگاری نه چندان دور، وبلاگ‌نویسی در ایران چنان عمومی‌تی یابد که اکنون تلفن‌های همراه یافته‌اند. اگر صاحبان اندیشه و آرمان و منش‌های گوناگون، خواهان پردازشی قدرت‌مندانه به اندیشه‌ها و دل‌مشغولی‌های خود هستند، باید هرچه زودتر بر غفلت خود از این پیام‌رسان قوی و مدرن غالب آیند.

ظرافت‌ها و ظرفیت‌های وبلاگ

تفاوت عمده وبلاگ‌ها با سایت‌های اینترنتی، رایگان بودن، محتوا و روزآمدی آنهاست؛ یعنی هر انسان زنده‌ای می‌تواند از طریق یکی از سایت‌های ویژه، فضایی را در پهنای اینترنت به تملیک خود درآورد و درباره هر موضوعی که می‌پسندد، به هر زبانی که دوست دارد، برای هر خواننده‌ای که حضور می‌رساند، بنویسد. این برتری‌ها، اکنون چندان به چشم نمی‌آیند، اما به زودی زود، تأثیر خود را در جذب همه صاحبان قلم و اندیشه، نشان خواهند داد. شمردن همه آنچه برای وبلاگ، امتیاز به شمار است، به چندین تحقیق گسترده با دو پس‌زمینه‌های علوم ارتباطات و روان‌شناسی قلم محتاج است. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای است که اگرچه سمت و سویی سنجیده ندارند، اما رنگ و بویی خاص دارند.

در مجموع می‌توان برتری‌ها و ممیزات وبلاگ را در شاخص‌های زیر خلاصه کرد:

۱. آزادی عمل و قلم. نویسندگان وبلاگ‌ها آزادند که هر چه می‌خواهند و هر قدر که می‌توانند و هرگونه که خود می‌پسندند، بنویسند. این مقدار آزادی و بی‌قیدی، زبان‌های بسیاری نیز به بار آورده است؛ اما از آن‌جایی که تعداد خواننده و شمار مراجعان به هر وبلاگ، در سرنوشت اینترنتی آن سخت مؤثر است، وبلاگ‌نویسان می‌کوشند به سمت رعایت اصول و مراعات اخلاق عمومی و رعایت ضوابط علمی و دامن زدن به جذابیت‌های موجه‌تر پیش روند، تا بتوانند به حیات مجازی خود در این فضاها به شدت رقابتی ادامه دهند. در حقیقت، وبلاگ‌نویسی مجبور و محکوم به

پیروی از هنجارهای ملی و بلکه فراملی است؛ زیرا در غیر این صورت، بدون هیچ‌گونه عامل فیزیکی و خارجی از حجم حضور خود خواهد کاست و چاره‌ای جز گوشه‌نشینی نخواهد داشت. نویسنده و بلاگ در واقع یک گفتگوگر حرفه‌ای است که اگر آداب هم‌صحبتی و دوستی را به‌جا نیاورد، اندک اندک از نظرها محو خواهد شد و در نهایت باید به باطل کردن و بلاگ خود تن دهد. حافظ، این نکته نه چندان کوچک را به نیکی دریافته بود که گفت:

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه

هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود

با وجود این، نمی‌توان منکر پاره‌ای زبان‌ها و آفاتی شده که از رهگذر بی‌مبالانی‌ها و ولنگاری‌های قلمی و تصویری، گریبان و بلاگ‌نویسی را گرفته است؛ زیرا به هر روی هیچ‌گاه متاع کفر و دین بی‌مشتی نبوده است.

بسیاری از اهل فن نیز بر این عقیده‌اند که و بلاگ‌ها بزرگ‌ترین خطر برای زبان فارسی نیز محسوب می‌شوند؛ زیرا گروه‌های بسیاری از این قلمزنان با نخستین ضوابط نویسندگی و اصول زبان فارسی آشنایی ندارند. اما باور نگارنده، آن است که در مجموع خدمات و بلاگ‌ها به زبان فارسی، بسیار بیش از زحمات آنها است؛ زیرا این شیوه قلمزنی، زبان فارسی را به سمت ساده‌نویسی و مهربانی خاصی برده است که نقطه آغاز آن نهضت مشروطیت بود. خوانندگان و بلاگ، نیک می‌دانند که در نثر و بلاگ‌ها گاه کمترین تکلف و تصنع به چشم نمی‌آید. چنین نثر و شیوه‌ای در قلم زدن، همواره آرزوی زبان‌شناسان و زبان‌دوستان بوده است. روش بلاگرها در نوشتن به گونه‌ای است که گویی برای خود می‌نویسند و هیچ اعتنایی به اطراف خود ندارند. مقالات اینترنتی، گاه به صمیمیت گپ‌های بسیار خصوصی و دوستانه است. بدیهی است که خواندن چنین مقالات و نوشته‌هایی همواره توأم با لذت و اثرپذیری بیشتر خواهد بود.

آزادی قلم و عمل در و بلاگ‌شهر، معنای دیگری نیز دارد که بر جذابیت‌های آن می‌افزاید، و آن آزاد بودن در کمیت و تعداد کلمات هر نوشته است. اگر نویسنده‌ای خواست و توانست همه حرف خود را در یک یا حتی نیم سطر بزند، در کدام نشریه سنتی می‌تواند مقاله‌ای یک یا نیم سطر خود را منتشر کند؟ رسانه‌های سنتی، استانداردهایی را متعهدند که قادر به عبور از آنها نیستند. پاره‌ای از آن استانداردها و خطوط قرمز، به اندازه و حجم نوشته باز می‌گردند. مقالات قابل درج در مطبوعات، باید سبب مناسبی داشته باشند؛ حال آنکه گاه آنچه در ذهن نویسنده‌ها می‌گذارد، تناسبی با حجمی که باید آن را پر کند، ندارد. نویسندگان گاه دوست می‌دارند حس یا دریافت

علمی خود را با کمترین کلمات و در کوتاه‌ترین عبارات بازگویند. آیا مجله یا هر رسانه دیگری حاضر می‌شود مقاله نیم سطری و یا دو کلمه‌ای چاپ کند؟

یک معنای دیگر آزادی در وبلاگ، آزادی در موضوع است. بسیاری از موضوعاتی که گروهی از اهل قلم، مایل به نلم زدن درباره آنها هستند، عاری از هرگونه همخوانی و همسویی با موضوعاتی است که مطبوعات رسمی کشورها برای خود برگزیده‌اند. اگر دانشجویی جوان یا طلبه‌ای پر شور، قصد کند تجربیات دوران تحصیل خود را با همه جزئیات و نکات ریز و درشتش، اکنون - نه پس از سپری شدن دوره آنها - بنویسد، آیا رسانه‌های موجود در کشور قادر به پوشش دادن به نوشته‌های او و دیگر هم‌قطاران او هست؟ فراموش نکنیم که در دل و جان بسیاری از اهل اندیشه، حرف‌هایی هست که باید به گونه‌ای اظهار شوند که چندان هم ظاهر و همگانی نشوند!

۲. لینک (Link)، لینک‌ها، میان‌بُرهایی است که مراجعان را برای سفر به هر نقطه دیگر در اینترنت و وبلاگستان ایصال الی المطلوب می‌کنند. هر وبلاگ می‌تواند ترمینالی باشد برای مسافرت و بگرد به سایت‌ها، وبلاگ‌ها و دیگر مناطق اینترنت. لینک‌ها، آدرس‌هایی هستند که کلیک بر روی آنها، ما را به فضاها و سرزمین‌های دیگری در جهان پهناور اینترنت می‌برد. بدین ترتیب یکی از کارکردهای بسیار جذاب لینک‌ها آدرس‌یابی منابع (ارائه طریق) و دست‌یابی (ایصال الی المطلوب) به آنها است. اگر باورقی‌ها در نشریات سنتی، فقط آدرس را نشان می‌دهند، لینک‌ها اصل مأخذ و منبع را پیش روی شما ظاهر می‌کنند. لینک‌ها یا پیوندها، مراجعان را با انبوهی از فضاها همسو و متناسب با وبلاگ مربوط، متصل می‌کنند و بدین رو، هر وبلاگ، دریچه‌ای است برای ورود به ده‌ها یا صدها فضای دیگر که با وبلاگ میزبان هم‌خوانی دارند. این لینک‌های سخاوتمند، گاهی وظیفه صوتی یا تصویری کردن وبلاگ را نیز بر عهده می‌گیرند. یعنی به خواننده این امکان را می‌دهند که به هنگام گشت و گذار در وبلاگ، گوش و چشم خود را نیز بی‌نصیب نگذارند.

۳. چند رسانگی. یک نشریه یا کتاب یا روزنامه سنتی، تنها قادر است از طریق یکی از حواس ما با ما ارتباط برقرار کند؛ اما در وبلاگ‌ها می‌توانیم هم‌زمان با خواندن، گوش و چشم خود را نیز به کار گیریم. بدین رو وبلاگ‌ها رسانه‌های شنیداری - دیداری - نوشتاری - گفتاری‌اند! این وضع، آدمی را به یاد درخواست آن شاعر عرب می‌اندازد که به ساقی خود گفته بود آن هنگام که در جام من باده می‌ریزی، نام آن را نیز ببر تا سهم گوش را نیز داده باشی: *أشقینی حُمرٌ و قُلنی آنها*. به واقع وبلاگ‌ها قادرند به آسانی از همه فناوری روز برای تأثیرگذاری بر روی خواننده خود مددگیرند؛ از جلوه‌های ویژه گرفته تا موسیقی متن و عکس‌هایی با بالاترین کیفیت و تنوع.

۴. **نظردهی / کامنت (Comment).** یکی از جالب‌ترین قابلیت‌های وبلاگ‌ها کامنت‌های آنها است که امکان نظرخواهی از خوانندگان را فراهم می‌کند. هر خواننده می‌تواند نظر خود را - اعم از موافقت، مخالفت یا پیشنهاد - در زیر هر نوشته و بلاگی بنویسد و به سمع و نظر نویسندگان پس از خود برساند. بدین ترتیب نویسندگان نیز در مدتی کوتاه از بازتاب و بازخورد نوشته خود آگاه می‌شوند. این امکان بسیار مؤثر و مفید، در هیچ رسانه دیگری نیست. اینکه نویسنده بداند خواننده او درباره نوشته‌اش چه دیدگاه و یا واکنشی دارد، در تکمیل مقاله و اصلاح اندیشه او تأثیر شگرفی دارد. به‌ویژه آنکه در نظرخواهی‌ها و نظرنویسی‌ها، نویسنده مجبور به افشای نام و هویت خود نیست؛ بنابراین بدون هیچ نگرانی و دغدغه و تعارفی، نویسنده را از نظر خود آگاه می‌کند.

کامنت‌گذاری در وبلاگ‌ها گاه چنان جدی و فعال می‌شود که از اصل مقاله اهمیت بیشتری می‌یابد و یک نوشته ساده را عملاً به یک مباحثه زنده و بانشاط تبدیل می‌کند. بسیاری از نویسندگان خرد و کلان از همین طریق هم دیگر را در گوشه و کنار جهان یافته و شناخته‌اند. هر نویسنده‌ای دوست دارد نظر خواننده خود را درباره مقاله یا یادداشت کوچکش بداند؛ اما این امکان در حد وسیع و واقعی فقط در وبلاگستان ممکن است. خوانندگان نشریات سنتی جز به طریق شفاهی یا نامه که مشکلات نگارش و چاپ آن بر کسی پوشیده نیست، راهی برای آگاه کردن نویسنده از نظر خود ندارند. این دارایی وبلاگ، زمینه تعاملی پویا و متقابل را فراهم می‌کند و ارتباط دوسویه‌ای را که آرزوی هر نویسنده و خواننده‌ای است، ممکن می‌سازد. یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه تعامل و تضارب آرا، شرم و حیا، یا محافظه‌کاری خواننده است که ترجیح می‌دهد، سکوت کند و به خنده‌ای در دل یا تمسخری در گوشه لب یا تحسینی در خلوت خود قناعت ورزد. کامنت‌ها، مباحثه و رو در رویی خواننده را با نویسنده چنان آسان می‌کنند که هر رهگذری برای نوشتن نظر خود و سوسه نیز می‌شود. به همین دلیل نویسندگان دینی، بیش از دیگران، به این ظرفیت بی‌مانند وبلاگ احتیاج دارند؛ زیرا خوانندگان آثار ایشان در بیان آرا و انظار خویش، بیش از دیگران، مبتلا به خودسانسوری یا ملاحظه‌کاری و متأسفانه گاه ریاکاری هستند. فتأمل! کامنت‌ها دلیل و توجیهی برای این‌گونه ملاحظات و شرم‌های مذموم نمی‌گذارد. مگر نه آن است که گفته‌اند: *لاحياء في الدين و قرن الحياء بالجزمان*^{۱۱}؟

۵. **آرشیو (Archive).** هر وبلاگ برای خود آرشیوی دارد که به آسانی، همه مقالات و مطالب گذشته خود را یک‌جا در اختیار و بگرد می‌گذارد. بلاگر می‌تواند آرشیو خود را ترتیب موضوعی یا زمانی دهد و دسته‌بندی کند تا خواننده را بدون صرف وقت، به مجموعه‌ای از مقالات و مطالب مطلوب رهنمون باشد.

۶. جستجو (Search). اگر بخواهند همراه هر نشریه فهرست تفصیلی و نمایه‌های کامل و بی‌کم و کاست آن را نیز چاپ کنند، چندین برابر اصل نشریه خواهد شد. این حجم عظیم را، وبلاگ در کلمه گنجانده است: جستجو.

۷. ادیت (Edit). تصور کنید از شما در جایی مقاله‌ای چاپ و منتشر شده است که در آن مرتکب خطا یا خطاهایی شده‌اید. اکنون چاره چیست؟ آیا راهی جز صبر کردن و انتشار شماره بعدی نشریه مربوطه را انتظار کشیدن دارید تا توضیح کوتاهی را درباره مقاله خود در آن درج کنید؟ این راه که گویا تنها راه ممکن نیز می‌باشد، چه اندازه می‌تواند خوانندگان مقاله شما را از اشتباهی که شما کردید، مصون نگه دارد؟ وبلاگ، قابلیت هرگونه حذف یا تغییر در نوشته‌های قبلی را به نویسنده‌اش می‌دهد. این قابلیت پنهان بیشتر به کار نویسندگانی می‌آید که همواره در حال پیشرفت علمی و تحول قلمی هستند. نویسنده‌ای که مقاله خود را به یکی از نشریات رسمی کشور سپرده است، از خود کاملاً خلع ید کرده، دیگر حکومتی بر آن ندارد. فقط می‌تواند در فرصت بعد - که گاه چندین ماه به طول می‌انجامد - اصلاحیه یا مقاله تکمیلی خود را ارسال کند. اما همگان می‌دانیم که این راه نیز چندان هموار نیست و گاه از عهده تصفیه و تصحیح بر نمی‌آید. وبلاگ نویسان می‌گویند همچنان که بر روی هر مدادی، پاک‌کنی را تعبیه کرده‌اند، باید در جایی نوشت که قدرت حذف و اضافه را از نویسنده نگیرد. در غیر این صورت باید به یکی از دو راه سخت زیر تن داد: یا باید تا به کامل‌ترین درجه علمی نرسیده‌ایم، دست به قلم نبریم؛ زیرا هر لحظه امکان پشیمانی و خطا وجود دارد، و یا آنکه دل به دریا زنیم و از خطا و صواب نوشته خود هیچ نیندیشیم! این هر دو راه اگر چه به چاه مانند‌ترند، اما نویسندگان ما عملاً تا کنون همین راه‌ها را پیموده‌اند؛ اگر چه چندان به روی خود نمی‌آورند.

۸. اشتراک / آبونمان (Subscription). وبلاگ‌ها در فاصله‌های زمانی بسیار متفاوت به روز / آپدیت می‌شوند؛ برخی هر چند ماه یکبار و برخی وبگردان همواره در جستجوی وبلاگ‌هایی هستند که به تازگی به روز شده است. این گشت و گذار گاه وقت گزافی را از آنان به هدر می‌دهد؛ زیرا ممکن است پس از وارد شدن به ده‌ها وبلاگ، مطلب تازه و به‌روزی نصیبشان نشود. در ساختمان فنی وبلاگ برای حل این مسئله، چاره‌های فراوانی اندیشیده شده است؛ از جمله اشتراک با آبونمان است. وبگردان با ثبت ایمیل خود در هر وبلاگی که به خواندن آن عادت دارند یا آگاهی از نوشته‌های آن را برای خود مفید می‌دانند، دیگر نیازی به مراجعه سرسری و بی‌برنامه به آن ندارند. بدین ترتیب، مشترکین بدون صرف وقت و هزینه، در اولین فرصت، تازه‌ترین نوشته‌های هر وبلاگی را که بدان تعلق خاطر دارند، دریافت می‌کنند.

۹. **گفتمان فعال و رودر رو.** شاید بتوان گفت مهم‌ترین سود علمی وبلاگ‌ها ناظر بودن بر یکدیگر است. خواننده وبلاگ می‌تواند پس از مطالعه یک مقاله مهم در یک وبلاگ، ده‌ها نقد و بررسی آن را در دیگر وبلاگ‌ها پی‌گیرد. هرگاه مقاله یا خبر یا نکته در خوری در یکی از وبلاگ‌ها ظاهر می‌شود، به سرعت - گاهی به فاصله یک ساعت - نوشته‌هایی ناظر بر آن در وبلاگ‌های مختلف قابل دست‌یابی است. نقد یک مقاله در نشریات سنتی گاه چنان با تأخیر صورت می‌گیرد که دیگر فایده‌ای بر آن مترتب نیست. به همین دلیل است که وبلاگ‌نویسان علی‌رغم آنکه از هرگونه نظارت و کنترل بیرونی فارغ‌اند، می‌کوشند سنجیده‌تر سخن گویند؛ زیرا به تجربه دریافته‌اند که نوشته‌های سست و بی‌بنیان در اینترنت دوگونه واکنش را برمی‌انگیزد: سکوت تلخ و تمسخر. نویسندگان دوست می‌دارند که نقد شوند؛ اما اگر چنان نویسنده که ارزش نقد را داشته باشد، به دیوار سکوت برمی‌خورند و یا استهزای تنی چند را باید تاب آورند.

ناگفته نماند که وبگردی و استفاده از وبلاگ‌ها نیاز به تجربه و اندکی آگاهی‌های فنی دارد که بدون آنها نمی‌توان از این فایده و دیگر فواید وبلاگ بهره‌مند شد. یک وبگرد حرفه‌ای، به خوبی می‌داند که برای خواندن نقد مقاله‌ای باید چه کرد و به کجاها سر کشید.

۱۰. **آسانی و ارزانی.** امتیاز مهم دیگری که می‌توان برای وبلاگ شمرد، سادگی تولید و راه‌اندازی آسان آن است. برای ساختن یک وبلاگ، تقریباً به دانش فنی و امکانات ویژه‌ای نیاز نیست. البته سازنده وبلاگ، هرچه با امور فنی آشنا تر باشد، یا بیشتر بتواند از تجربه دیگران استفاده کند، وبلاگ کارآمدتر و زیباتری را می‌آفریند. اما ساختن وبلاگ و شروع نوشتن در آن، با کمترین دانش فنی، تخصص و تجربه نیز ممکن است. ساخت آسان و قیمت ارزان، گروه‌های بسیار متفاوتی را جذب نوشتن در وبلاگ کرده است؛ به طوری که در میان آنان، طیف بسیار گسترده و متنوعی از همه طبقات اجتماعی، به چشم می‌خورد: پزشک، پرستار، خلبان، کارمند، کارگر، دانشجو، طلبه، نویسنده حرفه‌ای، مؤلف، ویراستار، روزنامه‌نگار، ورزش‌کار، خانه‌دار، مهندس، فعال سیاسی، شاعر، هنرپیشه، استاد، مترجم، معلم، صاحبان مشاغل آزاد، بازاری، مغازه‌دار... رسانه‌های دیگر هیچ‌گاه نخواهند توانست چنین اجزای ناهمگون و متنوعی را گرد هم آورند و زیر یک سقف بنشانند. وبلاگ و دیگر شاخه‌های متن محور اینترنت، بخش عمده‌ای از این موفقیت دور از انتظار را، و مدار ساخت آسان و تقریباً رایگان خود هستند.

باید پذیرفت که یکی از دلایل پیشی گرفتن نشریات اینترنتی بر روزنامه‌نگاری سنتی، صرفه‌جویی در کاغذ، مکان، نیروی انسانی و لوازم اداری است. کتاب، مجله، روزنامه و همه میراث‌خوران گوتنبرگ، از نقطه آغاز تظاهرات عمومی خود هزینه‌های بسیاری را بر تولیدکننده، و بالطبع بر متقاضیان

تحمیل می‌کنند. اینترنت، حذف همهٔ این‌گونه هزینه‌ها را ممکن ساخته است، و به همین دلیل رقیب بسیار قدرتمند و بی‌رحمی برای همهٔ انواع نشریاتی است که در فضاهای سربی تنفس می‌کنند.

تبلیغ دین در جهان مجازین

وبلاگ‌ها با امکانات بی‌مانندی که در اختیار نویسندگان خود و صاحب‌نظران می‌گذارند، دست و بال آنان را برای هرگونه فعالیت علمی یا ترویجی می‌گشایند. نویسنده در وبلاگ خود مبسوط‌الید است و می‌تواند همهٔ توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خود را بروز دهد. با اذعان به همهٔ آفاتی که آزادی‌های بی‌مرز دارد، نمی‌توان انکار کرد که پاره‌ای از گشایش‌ها و مجال‌یابی‌ها گاه موجبات رشد و شکوفایی اندیشه‌ای را فراهم می‌کند. هم‌اوردی در میدان‌های بزرگ و مصاف‌های رو در رو را مردان و زنانی از عهده برمی‌آیند که چنین محیط‌هایی را آزموده باشند؛ محیط‌هایی سرشار از مخالفان ترزبان و آزاد و اهل جدل و عاری از هرگونه ملاحظاتی دست و پاگیر. گشت و گذار در این شهر شیشه‌ای که مردم بومی آن، مستأجران توریست‌های خود هستند، ما را با رهگذرانی آشنا می‌کند که سخن به، زبانی دیگر می‌گویند و جز متاع بدیع نمی‌جویند. بر دانش‌آموختگان دینی است که بدانند و از یاد نبرند که محیط وب، مخالف و ناهمسو با دانسته‌های ایشان است. حضور مؤثر در فضاهای مخالف که نوشته‌ها و گفته‌های هم‌دلانه در آن کمتر می‌توان یافت، نیاز به هوشمندی و فراست ویژه‌ای دارد. فراست و هوشمندی نویسندهٔ دین ورز، او را به پرهیز از تعجیل در نتیجه‌گیری و اهتمام بیشتر به آوردن استدلال‌های رنگارنگ و پی‌درپی می‌کند. در وبلاگستان، نوشتن «وسیله» نیست که تنها به کار پیام‌رسانی و مخابرةٔ اندیشه‌های نویسنده آید؛ نوشتن، در وبلاگ‌ها معانی دیگری نیز یافته‌اند:

بودن، زندگی کردن، نفس کشیدن، تبدیل تکه‌های وجود به کلمات، معاشقه با واژه، زمزمه در گوش دوستان ندیده، سر به هر جای کشیدن و از هر دری سخن گفتن، گشودن عقده‌هایی که عمر ما را گره‌آلود کرده‌اند، و گسترده‌تر شدن مرزهای وجود خود تا هر جایی که قلمرو نور است و موج و بینایی. چه بیراهه می‌روند آنان که می‌نویسند تا کسی بخواند! مگر نه آن است که نوشتن، برای آن است که نوشته‌هایی تا اگر خواننده‌ای از راه رسید، تو را بخواند، نه علم اکتسابی و اندیشه‌های عاریتی تو را. آن‌که می‌نویسد تا دیگران بخوانند، نخستین تحقیر و توهین را به خوانندهٔ خود روا داشته است؛ اما آن‌که می‌نویسد تا گریبان جان خویش را از هجوم اندیشه‌ها و سیلاب واژه‌ها برهاند، چنان خوانندهٔ خویش را در مغناطیس وجودی خود غرق می‌کند که چاره‌ای جز تسلیم و رضا برای او نمی‌گذارد. نویسنده، آن نیست که می‌تواند بنویسد؛ آن است که نمی‌تواند که ننویسد؛

همچون شهرزاد قصه گو که هر شب قصه می‌گفت تا شمشیر مرگ از نیام خلیفه بیرون نیاید، و میان او و بودن فاصله نیندازد. داستان‌های او برای شنیدن خلیفه نبود؛ برای بودن و ماندن خود بود.^{۱۲} نویسندگانی که به چنین حس و حالی نرسیده‌اند، بهتر آن است که هرگز ننویسند، و اگر نوشتند، بدانند ناقص‌الخلقه‌ای را بر زمین گذاشته‌اند که میان زادن و مردن او، فاصله‌ای نیست.

مروّجان مرام‌های گوناگون و مبلغان اندیشه‌های مختلف، اکنون با همه توش و توان اینترنتی خود وارد این میدان شده‌اند؛ جولان‌گاهی که فرار از آن، کار را نه به سامان که زار خواهد کرد. آیا تعامل کاغذی و مواجهه سنتی با چنین ابزار پُرتوانی که خود را به آخرین دست‌یافت‌های تکنولوژی فوق مدرن مسلح کرده است، بردن تیغ چوبین در کارزاری سخت و آهنین نیست؟

تیغ چوبین را مبر در کارزار

بسنگر اول تا نگرده کار، زار

گر بود چوبین، برو دیگر طلب

گر بود الماس پیش آب طرب^{۱۳}

سوگمندانه باید اقرار داد که کمترین سهم از این جهان بزرگ، نصیب نویسندگان و اندیشورانی است که درد دین دارند و سودای دین‌گستری، غفلت و قهر خواسته یا ناخواسته از این‌گونه عطایای مدرنیته، واماندن از قافله‌ای است که شتابان در حال گذار است و از آن جز خاکستری بر جای نمی‌ماند: «از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل». به گمان نگارنده، نویسندگان مذهبی باید هرچه زودتر این گنج شایان را که در ویرانه‌های اینترنت، خاک عصبان می‌خورد، مهر گشایند و درون آن را سخت بکاوند. اگر مخالفت با «بلندگو» در زمان اختراع و آغاز رواج آن در ایران، هر لحظه یک ماه ما را عقب می‌انداخت، بیگانگی و ناآشنایی با ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی، مردم به منزله سال‌ها توقف است و سکون و رکود و حسرت. دیری نیست که شماری از نویسندگان دینی و طلاب جوان حوزه‌ها این عرصه را بازساخته و خود را به امواج بی‌امان آن سپرده‌اند، و کجا دانند حال ایشان را سبکباران ساحل‌ها. با این همه تا تبدیل وبلاگ‌نویسی به فرهنگ و یک هنجار حوزوی، راه دور و درازی در پیش است. برای کوتاه کردن این راه سنگلاخی، باید دائم به خود نهیب زد و پرسید: در کجای شریعت مقدس اسلام و در کدام سخن معصوم (ع) از تبلیغ دین مبین با ابزارهایی که سنت را پشت سر گذاشته‌اند، نهی شده است؟ چگونه است که ما برای چاپ یک کتاب در شمارگان دو یا سه هزار، خود را به آب و آتش می‌زنیم، و گاه از صرف‌گراف‌ترین هزینه‌ها نیز بی‌می‌به خود راه نمی‌دهیم، اما قدم همتمان در آستانه ورود به چنین محیط‌های بکر و آماده‌ای

می‌لرزد؟ کدام حجت و بینه‌ای، مدیران را از تهیه امکانات اولیه، آموزش و تشویق طلاب برای آشنایی با دنیای جدید ارتباطات منع کرده است؟ آیا امکان یافتن هزاران مخاطب و خواننده و بگرد، اهمیتی کمتر از چند خواننده کتاب و روزنامه و مجله دارد؟ آیا نباید هراسید از روزی که وقتی چشم می‌گشاییم و جایگاه خود را در جهان کنونی می‌بینیم، همان دم دریغ خوریم و به یاد آریم که می‌توانستیم کجا باشیم که اکنون نیستیم؟

سخن آخر

محراب و منبر، هر یک نیمه‌ای از دین را نمایندگی می‌کنند: یکی سرپناهی است برای دل‌های وصل‌جو، و دیگری جایی است برای به اهتزاز درآوردن پرچم ایمان. آن دو را از هم گریزی نیست؛ چنان‌که مرغ را از دو بال، و راه را از دو پا. رود ایمان از چشمهٔ محراب می‌جوشد و تا دریای منبر می‌خروشد. یکی مقام قبض است و دیگری منزل بسط. محراب، آن‌جا است که دل به دلداری می‌رسد، و منبر شرح دلداری‌های زنان و مردان خدا است. محراب را به معجزهٔ آن می‌شناساند، نه به سنگ و گلی که در آن به کار برده‌اند؛ و منبر را نیز به روحی که در کالبد دل‌ها می‌دمد، نه به پله‌های چوبین آن. پس هر گوشه که بتوان راز گفت و نیاز آورد، محراب است، و هر جاکه بتوان ناله سرداد و از درد گفت، منبر است. آن‌جا که سخن به حق توانی گفت منبر است؛ از جنس چوب باشد یا بر امواجی از نقطه‌های نورانی سوار؛ در گوشه‌ای از مسجد باشد، یا در میان هزاران خانهٔ شیشه‌ای؛ به زبان باشد یا به قلم؛ از راه گوش به دل‌ها رسد یا از معبر چشم؛ کنار محراب نشیند یا از درون شیشه‌های رنگی تابد.....

همه کس طالب یابند چه هشیار و چه مست

همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

وبلاگ‌ها به لحاظ موضوع، تنوع حیرت‌آوری دارند. رهگذران و وبگردان دربارهٔ هیچ موضوعی نیست که نتواند در وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی مقالات فراوانی بیابند؛ از شیر مرغ تا جان آدمی‌زاد. اما در این بازار مکاره، بیشترین خوانندگان و خوانندگان نصیب وب‌نویسانی است که دست‌کم اصول ده‌گانهٔ زیر را پایبند باشند:

۱. گزیده‌گویی؛ ۲. نغزگویی؛ ۳. سادگی؛ ۴. نکته‌سنجی؛ ۵. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگر شهروندان اینترنت؛ ۶. آمادگی ذهنی و قلمی برای حضور در محیطی آکنده از چالشگران ناهمدل، اما زیرک و تریزبان؛ ۷. مهارت‌های قلمی؛ ۸. تنوع مطالعاتی؛ ۹. آشنایی با محیط‌های گوناگون اجتماعی؛ ۱۰. توانایی در آغشتن قلم به طنز و مطایبه.

چنانچه وبلاگ‌های دین‌گرایان نیز بخواهند در این جهان بزرگ و مجازی، جایگاه درخوری را به اشغال خود در آورند، ناگزیر از رعایت اصل‌های پیش‌گفته‌اند؛ یعنی باید قلم خود را چنان نرم و روان بچرخانند که گویی آب در کام تشنگان می‌ریزند. از هرگونه اغلاق و درشت‌گویی و زست‌های عالمانه سخت پرهیزند، و نوشته آنان خالی از کشفی کوچک و نغزگویی نباشد. نغز گویند و نغز نغروشدند و زبان به کلیشه‌گویی نگشایند و گارد نگیرند و نیک بدانند که مخاطب آنان پس از مطالعه وبلاگ ایشان به ده‌ها نوشته و وبلاگ دیگر نیز سر می‌کشد. چنین تصویری، وبلاگ‌نویس را به کوتاه‌نویسی و گیرایی و نکته‌سنجی‌های هوشمندانه فرامی‌خواند. از یاد نباید برد که حوصله و بگردان بسی کمتر از همت کتاب‌خوانان حرفه‌ای است، و تنوع‌گرایی بر اغلب آنان غالب.

محتوای اکثر وبلاگ‌های دین‌گرا و اسلامی در ایران، انشای شاعرانه و دکلمه‌های احساسی با نثرهای فانتزی - و البته گاه بسیار ناشیانه و ساده‌انگارانه - همراه با بزرگداشت مراسم دینی و یادکرد بزرگان دینی یا ملی است؛ یعنی بیشتر مشغول اسلام‌سرایایی‌اند تا اسلام‌شناسی. هر وبلاگ‌نویسی برای گسترش حوزه قلمی خود در این آشفته‌بازار که هر روز صدها حجره جدید و نوین‌یاد در آن باب می‌شود، باید به ملازمت و ملائمت وبلاگ تن دهد و هوشیارانه به ماهیت غیرتجاری و کاملاً جوانانه این‌گونه محیط‌ها گردن نهد. نیز بدانند که وبلاگ‌ها عرصه‌های به‌شدت رقابتی‌اند، و برخلاف نشریات داخلی که همه چیز در آنها کنترل شده و تحت نظارت است، در آن‌جا هیچ عاملی جز جذابیت‌های قلمی، ذوقی و سمعی - بصری، خریدار ندارد. بدین رو جایی برای حرف‌های کلیشه‌ای و دعوی‌های شعارگونه و اشتلم‌های آمرانه و پرگویی‌های تعصب‌آمیز نیست. به دیگر سخن، تبدیل وبلاگ به منبرهای دیجیتال باید بسیار هوشمندانه و با بهره‌گیری از امکانات و ناظر به طبیعت رسانه‌های این چنینی باشد؛ وگرنه مقرون به صواب و سزاوار ثواب نخواهد بود.

دیگر آنکه وبگردان گونه‌ای از مخاطبان‌اند که تا با آنان زندگی مجازی خود را نیاغازیم، قادر به تأثیرگذاری بر آنان نیستیم. به سخن دیگر، آنکه به قصد تبلیغ مرام و باورهای خود یا انتقال احساسات درونی خویش به میان وبلاگ‌ها می‌آید، تنها در صورتی توفیق را نصیب خواهد برد که به این قصد و غرض اکتفا نکند؛ یعنی بیشتر برای همزیستی هم‌دلانه و همراهی مهربانانه، به وبلاگستان حضور دوستانه رسانده باشد و برای تأثیرگذاری هرگز نباید عجله کند. آنکه می‌آید تا فقط حرف خود را زده باشد و دیگر هیچ، پارازیت‌وار از محل توجهات جدی و حرمت‌آمیز دور خواهد ماند. مبلغ وبلاگ‌نویس یا وبلاگ‌نویس آرمان‌گرا، تا مدت‌ها به مسالمت در میان وبلاگ‌نویسان زندگی نکرده باشد و حسن ظن همگان را برنینگیخته باشد، حضوری محسوس و مؤثر نخواهد داشت.

آنچه گفته آمد

در جهان پنجره‌ها که دیوارهای آن نیز خاصیت در دارند و به حق آن را رایاسپهر (CyberSpace) نامیده‌اند، نباید کاربرد صرف و ساده‌ای بود که فقط دریافت می‌کند. در این ضیافت جهانی، حضور کاربرانه محض، ما را با حجم انبوهی از داده‌ها روبه‌رو می‌کند که حتی فقط مدیریت و طبقه‌بندی آنها توش و توانی برای ما باقی نمی‌گذارد. می‌توان در این ساحت بیکرانه، نه کاربری منفعل، که اندیشه‌گرای فعال نیز بود. شهروندان اینترنت، همگی مصرف‌کنندگان بی‌اراده‌ای نیستند که جز خواندن و دیدن و شنیدن کاری نداشته باشند؛ آنان می‌توانند بیش از تأثیری که می‌پذیرند، جهان را تغییر دهند و به درجه‌ای از سعه وجودی نایل آیند که رشک همه خدایان المپ باشند. وبلاگ‌ها، بازرترین دروازه‌های اینترنت به روی کسانی است که بستگی به مقام کاربری را دون شأن و آرمان‌های خود می‌دانند.

به هر روی و به چندین جهت منطقی و دلیل عرفی، اندیشه‌گران را گریز و گزیری از ورود به دنیای پر هیاهوی وبلاگ‌ها نیست:

۱. امکانات فراوان و متنوعی که این پدیده به مدد شبکه جهانی اینترنت و آخرین فناوری‌های دانش ارتباطات، در اختیار کاربر خود می‌گذارد:

۲. تنوع مخاطبان و ایجاد رابطه زنده و بسیار نزدیک با میلیون‌ها چشم سرگردان و نگران که صبح تا شب در مقابل مانیتور در پی یافتن مطلبی برای خواندن و اندیشیدن یا وقت‌گذرانی هستند.

۳. امکان ارتباط پویا، متقابل و دوسویه با مخاطبی که نمی‌شناسیم؛ آنان که دستی در مقوله تبلیغ و اطلاع‌رسانی مدرن دارند، نیک می‌دانند که هر قدر بتوان ارتباط سریع‌تر و زنده‌تری با دیگران برقرار کرد، موفقیت‌های بیشتری را می‌توان نصیب برد. اکنون نباید تبلیغ کیش و ترویج آرمان را با سخنرانی و مقاله‌پردازی یکسان انگاشت. تبلیغ دین، فرایندی بسیار پیچیده و حساس و آسیب‌پذیر است که بدون توفیق در برقراری ارتباط زنده و نزدیک با مخاطب، کارآمد و کامیاب نخواهد بود.

۴. مبلغان همواره باید آشنایی خود را با خواسته‌ها، دل‌مشغولی‌ها و حساسیت‌های فکری - روحی مخاطبان خود، افزایش دهند. از آن‌جا که نویسنده و خواننده وبلاگ می‌توانند هویت خود را ناشناخته نگه دارند، این امکان فراهم می‌شود که هر دو، به دور از تعارفات معمول و محافظه‌کاری‌های زیان‌بار سخن بگویند. این‌گونه بی‌ملاحظگی‌های مثبت، مبلغ را سریع‌تر و کارآمدتر از روش‌های معمول، به گرانی‌گاه‌ها می‌رساند و در وقت و توان او صرفه‌جویی می‌کند.

وبلاگ نویسی که درد دین دارد و متکی به اندیشه خود است، جز به زخم‌ها نمی‌اندیشد و گردیدن گرد گره‌های کور، شغل او است.

۵. وبلاگ به دلایل بسیاری که برخی را باز گفتیم، چنان جایگاهی در ایران یافته است که شگفتی جهانیان را نیز برانگیخته است. این جایگاه و گستره حیرت‌انگیز، نویسندگانی را که دغدغه دین‌گستری دارند، سالیانی است که به خود می‌خواند. این است و جز این نیست که بی‌اعتنایی و بی‌مبالاتی در برابر جهان فراخ و جنجالی وبلاگ‌ها، میدان بزرگی را برای تاخت و تازهای هوشمندانه و امروزین، از دست مبلغان و مروجان هر کیش و مرامی می‌گیرد و آنان را به خلوت‌های سرد و تاریک فراموشی تبعید می‌کند.

۶. ناگفته نماند که اینترنت و همه فرزندان آن، مانند وبلاگ، ماهیت ابزاری دارند و همچون دیگر ابزارهای بشری، کارکردی جز افزایش سرعت و توسعه و کارآمدی ندارند. بنابراین نمی‌توان همواره شکست یا توفیق خود را به گردن آن بگذاریم؛ زیرا «ابزار» همان‌گونه که از ماهیت و طبیعت آن برمی‌آید، در مرتبه دوم اهمیت و کارایی است. پیش از آن، باید در اصلاح اندیشه و روش‌های ذهنی خود بکوشیم. ابزار، هرچه قوی‌تر و کارآمدتر باشد، فقط در برآوردن آنچه از او خواسته می‌شود، موفق‌تر است. همین. ذهن مشوش و ناهمگون با نیازهای واقعی انسان معاصر، با ورود به محیط‌های اکتیوی همچون اینترنت، تشویش و ناهمگونی خود را بیشتر آشکار می‌کند. بدین رو نباید درمان همه دردهای خود را در تبدیل ابزارهای سنتی به ارتباطات مدرن جستجو کنیم. پیش از آن باید اندیشه خود را بازسازیم و کاستی‌های آن را بشناسیم و ناراستی‌هایش را اصلاح کنیم. صورت نازیبا و سیرت ناموزون، هرچه از آینده دورتر ایستد، وجیه‌تر می‌نماید. عکس آن را نیز از سهراب بشنویم که می‌گفت:

زن زیبایی آمد لب رود،

آب را گل نکنیم:

روی زیبا دو برابر شده است.^{۱۴}

۷. در این نوشتار عیب می‌رانگفته، هنرش را گفتیم. جا دارد که در تحقیق و نوشته‌ای دیگر، به زبان‌ها و آسیب‌های وبلاگ که برخی اجتناب‌پذیر و برخی ناگزیر است، نیز پرداخت.

اکنون همین قدر می‌افزاییم که این رسانه غول‌آسا که از چراغ جادوی اینترنت سر برآورده است، آسیب‌ها فراوانی نیز به زبان، فرهنگ و هنجارهای انسانی زده است. گسیختگی افسار نثر، انتحال (سرقت علمی)، ارضای شهوت شهرت‌طلبی برخی و هنجارشکنی‌های بی‌حد و مرز، از

آن جمله است. خوانندگان و وبگردان، نیک می‌دانند که در میان هزاران وبلاگ، کمتر می‌توان قلم‌ها و اندیشه‌هایی را جست که برخوردار از سلامت و صلابت باشند. البته در جنب آن همه آلودگی‌های قلمی و تصویری، محیط‌های بسیاری را نیز می‌توان یافت که از زبان‌گویا و اندیشه‌پویا برخوردارند و این دنیای مجازی و موازی را لذت‌بخش می‌کنند. اما مقایسه و ارزیابی وبلاگ‌های خواندنی با وب‌نوشت‌های هرز، شعله‌های امید را از سرکشی بازمی‌دارد. گویا خواندگانی هم که رایانه خود را به قصد وبگردی روشن می‌کنند، بیشتر رونق‌افزایی هرزه‌نویسان و هنجارشکنان‌اند. شمار چنین مشتریانی و رونق چنان بازاری، بسیاری از نویسندگان خبره و خیرخواه را از اینترنت دورباش داده است. آمارگیری و بررسی کامنت‌هایی که زیر مقالات اینترنتی گذاشته می‌شود، جرأت و جسارت بسیار از دانشوران را برای ورود به این بازار مکاره گرفته است، و عطای آن را به لقای آن بخشیده‌اند. بنابر آمار غیر رسمی - که بیشتر حاصل تیزبینی‌های برخی آشنایان به چنین محیط‌هایی است - تعداد بازدیدکنندگان از وبلاگ‌ها و سایت‌های روشنفکرانه، در مجموع یک درصد کسانی است که وقت خود را صرف مطالب و جذابیت‌های جنسی می‌کنند.

پربیننده‌ترین سایت روشنفکری در اینترنت روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ بازدیدکننده دارد؛ در حالی که پاره‌ای از وب‌سایت‌های پورنوگرافیک در هر ساعت میزبان صدها چشم و گوش است. غیر از این نابرابری دلخراش، آنچه قلم‌زنان حرفه‌ای و پرمایه را از غلتیدن به دره اینترنت و نوشتن در ملأ عام، حذر می‌دهد، عاری بودن این محیط هنجارشکن از هرگونه قانون و قاعده است. کپی‌رایت، تنها یکی از قوانینی است که در وبلاگ‌های فارسی، هیچ‌اعتنایی بدان نمی‌شود. نیز باید افزود که وبلاگ‌های شهر آشوب، راه هموار و شیب‌داری است برای شهرت‌طلبی و ارضای عقده‌هایی که در دنیای حقیقی سرکوب شده‌اند. اینترنت و بالطبع وبلاگستان، سرزمین آزادی‌های لجام‌گسیخته و موطن‌رهایی از هر قید و بندی که جوامع انسانی سرشار از آنها است. تنها کسانی در این‌جا بلقay افسانه‌ای به هنجار و خوددارانه زیست می‌کنند که پیش‌تر زندگی در محیط‌های بی‌پروا را آموخته باشند. آنان که از اجتماعات سنتی و هنجارمند به این سرزمین دور غلتیده‌اند، برای استفاده از آزادی‌هایی که فضای سایبر در اختیارشان می‌گذارد، تجربه کافی ندارند و هم‌بدین‌رو و لنگاری و ناپرهیزگاری زبانی را در جای آزادی می‌نشانند؛ اگرچه برخی همین وضع را مشق آزادی برای ورود به جوامع حقیقی می‌دانند و بر آن‌اند که جوانان باید همه ناشی‌گری‌های خود را پیش از ورود به جامعه مدنی، در جایی دیگر که آسیب کمتری را متوجه انسان‌های حقیقی می‌کند، مانند اینترنت قی کنند.

ناگفته نماند که جهان شیشه‌ای اینترنت، همچنان که مجازی است، موازی نیز هست. یعنی اگرچه شهری است با قوانین و هنجارهای خود، اما جدا از دنیای واقعی نیست. آلودگی‌هایی این دنیای سبک‌سر، آینه‌ای است محدب که بیرون از خود را در ابعادی بزرگ‌تر نشان می‌دهد. با این همه باید انصاف داد که اینترنت ایرانی، اگرچه تمایلی به تسلیم شدن در برابر قانون‌های رسمی را ندارد، اما از مراعات قوانین نانوشته و نامرئی نیز ناگزیر است. وبلاگ‌نویسان نیک می‌دانند که حیات اینترنتی و اعتبارشان در این شهر آشفته، به گردن نهادن در برابر مقرراتی است که خاستگاه‌های انسانی و عرفی دارند. این مقررات اگرچه بر روی هیچ کاغذی نیامده است و اگر آمده، حکم سند برای دادگاه و قاضی را ندارد، اما گاه چندین برابر قوانین کاغذی، کارایی و هیبت دارند. زیرا همه شهروندان وبلاگستان اینترنت، ارزیابان و ناظران یکدیگرند و در این میدان فراخ، به عدد بازیکنان، داورانی در جنب و جوش‌اند که همیشه دست در جیب دارند.

۸. به زعم نگارنده، مدیران ارشد حوزه‌های علمیه و یا هر نهاد دیگری که دین و کارکردهای دینی را برای انسان معاصر، همچنان ضروری و بی‌بدیل و رقیب می‌دانند، باید هرچه زودتر به سوی تشکیل مجالسی پیش روند که در آنها منابر دیجیتال برپا است. منبر، نخستین و مؤثرترین رسانه اسلامی در همه ادوار تاریخی بوده است. این رسانه ارجمند که همچنان پویا و گویا است، هرگز جایگاه خود را در میان متدینان و صاحب‌دلان از کف نخواهد داد؛ اما به تنهایی نیز قادر به کشیدن بار تبلیغ دینی بر دوش خود نیست. اهتمام انحصارطلبانه به یک یا دو رسانه موجود، گرهی از کار فرو بسته ما نمی‌گشاید، که بر ناهمگونی ما با دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌افزاید. اگر روزی توانستیم همه مخاطبان بالقوه خویش را به استفاده از یک رسانه با استقبال از یک نوع برنامه تبلیغی قانع یا مجبور سازیم، بسندگی به یک روش تبلیغی نیز موجه می‌نمود؛ اما یک دست‌سازی مخاطبان هرگز در امکان نخواهد بود و حوزه‌های دینی همواره باید خود را برای حضور در محیط‌های نو و بکر آماده کنند؛ زیرا غیبت از هر مسابقه‌ای، به معنای واگذاری آن به رقیبان است.

گسوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند

کس به میدان در نمی‌آید، سواران را چه شد

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست

عندلیبان را چه پیش آمد، هزاران را چه شد

پی نوشتها:

۱. برخی، «تارنوشت» را مناسب‌ترین ترجمه فارسی برای «وبلاگ» می‌دانند.
۲. این شماره‌سنجی و بسامدگیری را یکی از مؤسسات وابسته به بی‌بی‌سی گزارش کرده است. ر.ک: سایت انگلیسی بی‌بی‌سی، اول دسامبر ۲۰۰۴.
۳. روزنامه شرق، ویژه‌نامه جمعه ۸۳/۱۰/۲۵، ص ۹.
۴. همان.
۵. کتاب ماه کلیات، شماره ۸۰-۷۹ (ویژه وبلاگ نویسی)، رضا بهبهانی، «پدیده وبلاگ»، ص ۱۲.
۶. منبع: خیرگزاری ایتنا، دوم بهمن ۸۳.
۷. ر.ک: وحید قاسمی، وبلاگستان، شهر شیشه‌ای، پیش‌گفتار، ص ۳.
۸. نمونه آشکار و مثال‌زنی آن اعتراض وبلاگ‌نویسان و جامعه اینترنتی ایران به اطلس منتشره از سوی نشنال جئوگرافیک بود که نام خلیج هدیشه فارس را به خلیج عربی، تحریف کرده بود. خوشبختانه این اعتراض مبتکرانه اثر نیز کرد و مؤسسه مذکور را وادار به تغییر موضع کرد.
۹. ر.ک: روزنامه هموطن، ۲۱ دی‌ماه ۸۳.
۱۰. ر.ک: کتاب ماه کلیات، همان، ص ۷-۴.
۱۱. ر.ک: ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۵۹. روشن است که مراد از حیا در این‌گونه روایات، نوع مذموم آن است.
۱۲. شهرزاد، باید هر شب، قصه‌ای تازه می‌گفت تا خلیفه نیز به عهد خود وفا کند و او را نکشد.
۱۳. مثنوی معنوی، چاپ، ریتولد نیکلسون، دفتر اول، ابیات ۵-۷۱۴. ناگفته نماند که الماس غیر از کارکرد تزئینی، بسیار تیز و برنده نیز هست؛ چنان‌که مولوی در جایی دیگر نیز گفته است: پیش این الماس بی اسپر میا/کز بریدن تیغ را نبود حیا.
۱۴. هشت کتاب، ص ۳۲۶.